

امریک

عموم احبّای الهی علیهم بهاء الله الأبھی

ای یاران الهی عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهاء عزیزند و در سحرگاهان تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابھی بی در پی میرسد شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار بیار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجره حیات کتاب میثاق است ولی در این ایام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج میثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجره حیات را از ریشه براندازد بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی‌خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همّت را گماشتند که عهد و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل‌آلود کنند تا در این گل‌آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز میثاق طغیان نموده‌اند بعینه مثل بیانیان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه‌ئی کنند و خفياً القای شبهات نمایند تا بکلی میثاق بهاءالله در امریکا محو و نابود گردد

ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یتظهره الله و سطوع انوار بهاءالله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمه الله نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضدّ جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات بر بستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یتظهره الله است استدلال بر بطلان بهاءالله مینمودند هر روز رساله‌ئی بر ضدّ بهاءالله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاءالله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاق را روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند

و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبّای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بانان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند از جمله در کلمات مکون میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار و خطاب باحبّا میفرماید که معلوم آن جناب بوده که زود است شیطان در قمیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبّای جمال سبحان را بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره‌ئی که اصفیا را بان آگاه فرمودیم که مبدا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند پس بر جمیع احبّاء الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ ابھی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگرچه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جوید الی ان قال عزّ اسمہ پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبدا بدام تزویر و حيله گرفتار آیند اینست نصیح قلم تقدیر و در خطاب دیگر میفرماید پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که

نفسشان مثل سمّ سرایت‌کننده است و در خطاب دیگر میفرماید ای کاظم چشم از عالمیان بپوش و ماء حیوان عرفان را از غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیّه بر مراد صراط عزّ احدیّه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیان را از مظهر رحمان مشاهده نمائی و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود واگذارند و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگرچه بزهد اوّلین و آخرین ظاهر شود و یا عبادت ثقلین قیام نماید و هم‌چنین در خطابی دیگر میفرماید ای مهدی جمیع باین کلمات مطلع شده از مظاهر سجّینیّه و مطالع نمودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبتیه اعراض نمایند و هم‌چنین میفرماید قل ان یا احبائی ثمّ اصفیائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فی هذا السجن الکبری ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روایح الاعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه میفرماید لأنهم مظاهر الشیطان و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روایح منتنه نفس خبیثه بر آن دیار مرور نماید انشاءالله در آن ایام محفوظ مانید در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح میفرماید و من اعثر احد هؤلاء الصغار المؤمنین به خیر له ان یعلق فی عنقه حجر الرّحی و یغرق فی لجة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ ان تأتي العثرات ولكن ویل لذلك الانسان الّذی به تأتي العثرة فان اعثرک یدک او رجلک فاقطعها و القها عنک خیر لک ان تدخل الحیاة اعرج او اقطع من ان تلقی فی النار الابدیة و لک یدان او رجلان و ان اعثرک عینک فاقطعها فاقطعها عنک و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید و اما الکرامون لما رأوا الابن قالوا فی ما بینهم هذا هو الوارث هلمّوا نقلته و نأخذ میراثه و اخذوه و اخرجوه خارج الکرم و قتلوه و هم‌چنین فی الاصحاح الثانی و العشرون در آیه چهاردهم میفرماید لأنّ کثیرین یدعون و قلیلین ینتخبون و در آثار مبارک الواح حضرت بهاءالله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود

باری جمیع احبای امریکا میدانند که مؤسس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبای الهی مقاصد ایشان را میدانند سبحانالله با وجود این فریب آنان را میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهودای اسخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پاپا محروم مینماید ابداً چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبّا را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود

مناجات

ای ربّ میثاق ای نیر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجرا میدارند و بنیان میثاق را ویران مینمایند و ادّعی بهائی میکنند تیشه بر ریشه شجره میثاق میزند و خود را مظلوم میشمردن نظیر بیانها که میثاق حضرت باب را شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتريات بر هیکل مبارکت زدند و با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حیلئیی و مکرری مینمایند و افترائی میزنند یابهاآ الأبھی حصن حصین امرت را از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوت را از این بادهای مخالف مصون بدار یابهاآ الأبھی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امرت را بلند نمود و علم ملکوت ابھی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسایس و وساوسی قیام کرده‌اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و

مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبتت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این بره مظلومت را از چنگ و دندان ذناب کاسره نجات میبخشی منتظر ظهور عنایات و تحقق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی رب الميثاق پس این سراجی را که تو افروختی از این اریاح شدیدة حفظ فرما یا بهاء الأبهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بی وفایان دل شکسته گشتم و آزرده شده ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوتت میکنم یا بهاء الأبهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسی که اعراض نموده اند و از دریای علمت ممنوعند الهی الهی احفظ عبدک بجدوک و کرمک من شرّ اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک و در جای دیگر میفرماید ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما (ناعق گوساله بنی اسرائیلست) و هم چنین میفرمایند مبعوض مرا محبوب خود دانسته اید و دشمن مرا دوست خود گرفته اید و هم چنین میفرمایند صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل برداید من اراد ان یأس مع الله فلیأس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه و هم چنین میفرمایند با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند و هم چنین میفرمایند رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرّحمن و الدّخول فی ظلّ الشّیطان و هم چنین میفرمایند ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح لقا و تکلم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس ننمائید و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائید و نباشید از بیخردان و هم چنین میفرمایند انتم نسیتم عهد الله و نقضتم میثاقه و هم چنین میفرماید ان جاءکم احد بکتاب الفجّار دعوه ورائکم من النّاس من نقض الميثاق و منهم من اتّبع ما امر من لدنّ علیم حکیم لیس ضرّی سجنی و بلائی و ما یرد علیّ من طغاة عبادی بل عمل الذّین ینسبون انفسهم الی هذا المظلوم و یرتکبون ما تضحیح به حرمة الله بین خلقه الا انهم من المفسدین و هم چنین از لسان ناقضین میفرماید قد جعلت المنابر لذكرک و ارتفاع کلمتک و اظهار امرک و اتّی ارتقیت علیها لاعلاء نقض عهدک و میثاقک و هم چنین میفرمایند خذوا ما امرتم به و لا تتبعوا الذّین نقضوا عهد الله و میثاقه الا انهم من اهل الضّلال و هم چنین میفرمایند انّ الذّین نکثوا عهد الله فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضّلال لدى الغنی المتعال و هم چنین میفرمایند انّ الذّین وفوا بميثاق الله اولئک من اعلى الخلق لدى الحقّ المتعال انّ الذّین غفلوا اولئک من اهل النّار عند ربّک العزیز المختار و هم چنین میفرمایند طوبی لعبد آمن و لأمة آمنت و ویل للمشرکین الذّین نقضوا عهد الله و میثاقه و اعرضوا عن صراطی المستقیم و هم چنین میفرمایند اسألك ان لا تخیننی عمّا عندک و ما قدرته لخیرتک الذّین ما نقضوا عهدک و میثاقک قل موتوا بغيظکم قد اتی من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الأقدام الاّ الذّین ما نقضوا عهدهم و اتّبعوا ما انزله الله فی الكتاب و هم چنین میفرمایند انّ الذی تزین برداء الوفاء بین الأرض و السّماء یصلّی علیه الملائة الاعلی و الذی نقض العهد یلعنه الملك و الملکوت و هم چنین میفرمایند خذ ما نزل لک بقوّة تعجز عنها ایادی الکفّار الذّین نقضوا ميثاق الله و عهدہ و اعرضوا عن الوجه و هم چنین میفرمایند یا یحیی قد اتی الکتاب خذہ بقوّة من لدنا و لا تتبع الذّین نقضوا ميثاق الله و عهدہ و کفروا بما نزل من لدنّ مقتدر عالم و هم چنین میفرمایند قد اصبحت الیوم یا الهی فی جوار رحمتک الکبری و اخذت القلم لأذکرک بحولک بذکر یكون بمنزلة الثور للأحرار و بمثابة النّار للأشّار الذّین نقضوا ميثاقک و اعرضوا عن آیاتک و نبذوا عن ورائهم کوثر الحیوان الذی ظهر بأمرک و جرى من اصبع اردتک و هم چنین در توقیعی به عبدالبهاء میفرمایند یا غصنی الأعظم قد

حضر لدى المظلوم كتابك و سمعنا ما ناجيت به الله رب العالمين انا جعلناك حرزاً للعالمين و حفظاً لمن في السموات و الأرضين و حصناً لمن آمن بالله الفرد الخبير نسأل الله بأن يحفظهم بك و يغنيهم بك و يرزقهم بك و يلهمك ما يكون مطلع الغنى لأهل الانشاء و بحر الكرم لمن في العالم و مشرق الفضل على الأمم أنه لهو المقتدر العليم الحكيم و نسأله بأن يسقى بك الأرض و ما عليها لتنتب منها كلاً الحكمة و البيان و سنبلات العلم و العرفان أنه وليّ من والاه و معين من ناجاه لا اله الا هو العزيز الحميد

این لوح مرقوم نگردد زیرا بعضی غلو خواهند نمود

و هم چنین در توقیعی به عبدالبهاء میفرمایند یا الهی هذا غصن انشعب من دوحه فردائیتک و سدره وحدائیتک تراه یا الهی ناظراً الیک و متمسکاً بحبل الطافک فاحفظه فی جوار رحمتک انت تعلم یا الهی ائی ما اریده الا بما اردته و ما اخترته الا بما اصطفتیه فانصره بجنود ارضک و سماتک و انصر یا الهی من نصره ثم اختر من اختاره و اید من اقبل الیه ثم اخذل من انکره و لم یرده ای رب تری حین الوحی یتحرک قلمی و ترعش ارکانی اسألك بولهی فی حبک و شوقی فی اظهار امرک بأن تقدّر له و لمحییّه ما قدرته لسفرائک و امناء و حیک انک انت الله المقتدر القدير تالله یا قوم بیکی عینی و عین علیّ فی رفیق الاعلی و یضحّ قلبی و قلب محمد فی سرادق الابهی و یصبح فؤادی و افئدة المرسلین عند اولی التهی ان انتم من الناظرین لم یکن حزنی من نفسی بل علی الّذی یأتی من بعدی فی ظلل الأمر بسلطان لائح مبین لأنّ هؤلاء لا یرضون بظهوره و ینکرون آیاته و یجحدون بسلطانه و یحاربون بنفسه و یخادعون فی امره كما فعلوا بنفسه فی تلك الايام و کنتم من الشّاهدین و هم چنین در توقیعی به عبدالبهاء میفرمایند یا غصن اعظم لعمر الله نوازلك كدترتی ولكنّ الله یشفیک و یحفظک و هو خیر کریم و احسن معین و البهّاء علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک طوبی لمن والاک و السّقر لمن عاداک و هم چنین میفرمایند هل یمكن بعد اشراق شمس وصیتک من افق اکبر الواحک ترلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الاعلی ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی الله العلیّ العظیم لا تسأل عمّا یدوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الّذین طافوا حول امری البدیع لا ینبغی لک بأن تطّلع علی ما سترناه عنک ان ربک لهو السّتر العلیم توجه بوجهک الأنور الی المنظر الأكبر و قل یا الهی الرّحمن زین سماءّ البیان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصّدق انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المدبّر الکریم

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب میشود که سوء اخلاق سرایت مینماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند بهم چنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً با آنها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبّای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیّبه قطع مینماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق میآیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوّه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجرا میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از

الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند حضرت مسیح در قضیة یهودای اسخریوطی و برادران خویش استبداد مجرا نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنان که در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصّحة را مجرا داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد بهم چنین باید نفوس مبارکه را از روایح کریهه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الاً نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کل هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد

[یادداشت]

۱. رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه "بهاء" است. ←

این سند از [کتابخانه منابع](http://www.bahai.org/fa/legal) دیجیتالی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ مه ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر